



اثر فصلنامه علمی فنی هنری ۸۰

بهار ۱۳۹۷

شماره استاندارد بین‌المللی: ۱۶۴۷-۱۰۲۴

شماره استاندارد بین‌المللی الکترونیکی: ۲۲-۳۵-۴۱

درجه علمی: علمی ترویجی

صاحب امتیاز: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

مدیر مسئول: جلیل گلشن

سردبیر: مهناز اشرفی

هیئت دبیران (تحریریه): سیدمحسن حبیبی (استاد دانشگاه تهران)، سیدحسین بحرینی (استاد دانشگاه تهران)، فرهاد تهرانی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، محمدرحیم صراف (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، مهرداد قیومی بیدهندی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، حمیده چوبک (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، علی زمانی فرد (استادیار دانشگاه هنر تهران)، مهناز اشرفی (استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی).

مدیر اجرایی: محمدعلی مخلصی

مدیر داخلی و معاون سردبیر: ذات‌الله نیک‌زاد

ویراستار: عبدالله مؤذن‌زاده کلور

مترجم: شروین معظمی گودرزی، رامین والی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: نوربخش

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی دبیرخانه: تهران، تقاطع خیابان امام خمینی (ره) و سی تیر،

روبه‌روی موزه ایران باستان، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پلاک ۲،

پژوهشکده ابنیه و بافت‌های تاریخی فرهنگی

کد پستی: ۱۱۳۶۹۱۳۴۳۱

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲ (داخلی ۳۴۴)

وبگاه: Journal.richt.ir/athar

پست الکترونیک: atharmiras@gmail.com

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: پیشین پژوه

اسامی داوران این شماره:

علیرضا انبسی، محمدحسین پاپلی یزدی، حمیدرضا جیحانی، زهرا حبیبی، ابراهیم حیدری، سعید خودداری نائینی، محمدرضا ریاضی، علیرضا شاه‌محمدپور، رجبعلی لباف‌خانیک، میثم لباف‌خانیک، محمدحسن محبعلی، شروین معظمی گودرزی، ذات‌الله نیک‌زاد.

- نقل مطالب مجله اثر با ذکر مأخذ آزاد است.

- نظر نویسندگان الزاماً نظر مجله نیست.

- این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می‌شود.



-
- ۳ ■ اصول ایکوموس - IFLA ، دربارهٔ منظرهای روستایی به عنوان میراث، ۲۰۱۷ دهلی
ترجمه: مهناز اشرفی، مدیا شکرانی
- ۱۵ ■ نوع و نحوهٔ کاربرد مصالح ساختمانی در ایوان غربی تخت سلیمان
رضا تقوی قره‌بلاغ
- ۲۹ ■ میوه‌نگاری در کاشی‌های کاخ گلستان
سَمینه خوبی، مریم لاری
- ۴۱ ■ بررسی علل رخداد نرخ متفاوت آسیب‌های لرزه‌ای در ابنیهٔ خشتی روستای تاریخی اصفهک پس از زلزلهٔ طیس
وحید ذات‌اکرم، علی زمانی‌فرد
- ۶۱ ■ بنای یادمانی تل آجری در بخش فیروزی شهر پارسه، رویکرد چندرشته‌ای جامع به تختگاه تخت جمشید و شهر
پارسه، بخش یکم
علیرضا عسکری چاوردی، پی‌یر فرانچسکو کالیری، سباستین گنده
- ۸۱ ■ دو سند دربارهٔ معماری حمام‌های روستایی استرآباد
مهرداد قیومی بیدهندی، محدثه نظیف‌کار
- ۸۹ ■ کالبد و کارکرد آسیاب‌های بشرویه
حنیفه کراگری، بهنام پدرام، رضا ابوئی
- ۱۰۱ ■ نگاهی به ویژگی‌های معماری آسیاب‌های شهر بیرجند
ذبیح‌الله مسعودی، علی نجف‌زاده، علی‌اصغر محمودی‌نسب
- ۱۱۹ ■ تازه‌های کتاب و مجلهٔ کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی
معصومه ازقندی، ستاره اسحق تیموری

میوه‌نگاری در کاشی‌های کاخ گلستان^۱

سمینه خوبی

کارشناس ارشد ارتباط تصویری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Samineh_khobi@yahoo.com

مریم لاری

استادیار گروه هنر، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران
lari_maryam@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۵

چکیده

از میان عناصر سازنده معماری در دوره قاجار، «کاشی» دارای جایگاه ویژه‌ای است. در این دوره به دلیل نفوذ معماری غربی، معماران در کنار توجه به فضاهای داخلی به تزئین فضاهای بیرونی نیز توجه بیش‌تری نشان دادند. به دلیل تنوع مضامین در پیوند با تحولات فرهنگی این دوران، ترسیم میوه‌های مختلف بر روی کاشی‌های مصور مجموعه باغ کاخ گلستان را نمی‌توان نادیده گرفت. میوه‌نگاری‌های این مجموعه، شامل انار، انگور، خیار، خربزه، سیب، گلابی، هندوانه، و سایر میوه‌ها است که در پیوند با ویژگی‌های فرهنگی و هنری این دوره شکل گرفته‌اند. این مقاله ضمن بررسی جلوه‌های تصویری خوراک خام (میوه‌ها) به معرفی ویژگی‌های کاشی‌های کاخ گلستان در پیوند با فرهنگ خوراک ایرانیان می‌پردازد. بازنمایی این آثار کمک فراوانی به شناخت قابلیت‌های فرهنگی و تحولات این هنر در دوره قاجار می‌کند. مقاله حاضر پژوهشی بینارشته‌ای و توصیفی - تحلیلی است که به گردآوری اطلاعات به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) پرداخته است. فرآیند این پژوهش، با استناد به عکس‌ها و سفرنامه‌های دوره قاجار و با مبنا قرار دادن خوراک خام، به مثابه عنصری فرهنگی پیش می‌رود. سؤال پژوهش این است که ویژگی‌های بصری و فرهنگی میوه‌نگاری در کاشی‌های کاخ گلستان چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میوه‌نگاری به عنوان موضوعی مستقل در کاشی‌های دوره قاجار، با هویت و فرهنگ خوراک ایران پیوند دارد.

واژه‌های کلیدی

میوه‌نگاری، کاشیکاری قاجاری، کاخ گلستان، فرهنگ خوراک.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سمینه خوبی خانکندی با عنوان فرهنگ تصویری خوراک ایرانی در دوره صفوی و قاجار (مطالعه تطبیقی) به راهنمایی خانم دکتر مریم لاری در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

در کاشیکاری‌های مجموعه کاخ گلستان به تحلیل نقوش از دیدگاه مردم‌شناسختی پرداخته و رابطه این نقوش را با نفوذ هنر غربی بر کاشی‌نگاری‌های این مجموعه مطالعه کرده است. کریمی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان بررسی نقوش کاشیکاری مجموعه کاخ گلستان به بررسی موردی نقوش کاشی‌ها پرداخته و به نقوش میوه‌جات نیز اشاره داشته‌است. با این حال در خصوص میوه‌نگاری‌های کاخ گلستان، مطالعه دقیق‌تری صورت نگرفته و پژوهشگران میوه را بیشتر به عنوان «طبیعت بیجان» دوره قاجار در نقاشی‌ها مطرح کرده‌اند. جعفری جلالی (۱۳۸۲) در بخشی از کتاب خود نقاشی قاجاریه نقد زیبایی‌شناسی متذکر می‌شود که انتخاب موضوع طبیعت بی‌جان در نقاشی دوره قاجار، نوعی نگرش طبیعت‌گرایانه است. فقط ریاضی (۱۳۹۵) در کتاب خود کاشیکاری قاجاری به طور خاص، از میوه‌نگاری به عنوان یکی از نقش‌نگاری‌های دوره قاجار یاد می‌کند. با این همه، آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، توجه به ویژگی‌های بصری و فرهنگی خوراک خام (میوه) در پیوند با فرهنگ خوراک ایرانی در کاشی‌های کاخ گلستان است.

روش پژوهش

مقاله حاضر پژوهشی بینارشته‌ای و توصیفی - تحلیلی است و بر پایه مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای) و مشاهده میدانی پیش می‌رود و میوه‌نگاری بر روی کاشی‌های کاخ گلستان را به مثابه عنصری فرهنگی، با توجه به عکس‌ها و سفرنامه‌های دوره قاجار ارزیابی می‌کند. لذا جامعه آماری این تحقیق، تصاویر میوه‌های نقاشی‌شده بر روی کاشی‌های باغ کاخ گلستان است.

کاشی‌نگاری دوره قاجار

توسعه روابط میان ایران و کشورهای خارجی در دوره قاجار، سبب تحولاتی در هنر و به تبع آن در کاشیکاری شد. کاشی‌های تصویری (نقاشی‌شده) رواج بیش‌تری یافت و کاشی هفت‌رنگ یکی از رایج‌ترین کاشی‌های این دوره شد. این نوع کاشی برای نقش‌اندازی‌هایی با خطوط آزاد مناسب‌تر بود و نقوش گل و بوته، انواع میوه، منظره، و صحنه‌های تابلویی به شکل طاق‌نما و قاب‌بندی‌های مربع و مستطیل و بیضی در نماسازی‌ها را شامل می‌شد که به طور قطع از کارت‌پستال‌های وارداتی و تصاویر مجله‌ها کپی‌برداری می‌شدند.

از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، به‌ویژه با شروع فرمانروایی ناصرالدین‌شاه قاجار، نقاشی روی کاشی به مفهوم هنری عام و گسترده، گذشته از تزئین نمای داخلی و خارجی کاخ‌ها و سایر بناهای دولتی، در سایر بناهای

کاشی یکی از عناصر مهم در تزئینات معماری ایران است که سابقه‌ای طولانی در تاریخ این سرزمین دارد. آنچه در کاشیکاری‌های به‌جای‌مانده در بناهای مختلف مذهبی و غیرمذهبی شاهد هستیم، حاصل تلاش هنرمندانی است که در طول تاریخ از تجربیات دیگر فرهنگ‌ها بهره برده‌اند و آثار گوناگونی را خلق کرده‌اند. کاشی در پیوندی تنگاتنگ با تحولات فرهنگی، همسو با دنیای پیرامونش نمایان می‌شود. از این رو می‌توان ریشه‌های میوه‌نگاری و ضرورت پرداختن به آن را در فرهنگ خوراک ایرانیان جست‌وجو کرد. در حقیقت رابطه مستقیم میان فرهنگ و خوراک و هنر است که میراث تصویری ارزشمندی را می‌سازد؛ میراثی که با تعریف میراث فرهنگی مطابقت دارد. «هر چه از گذشته باقی‌مانده - اعم از ساخته‌های مادی و معنوی یا شیوه‌های تفکر و سلوک - میراث فرهنگی است» (آشوری و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۷). با پذیرش خوراک به عنوان میراث فرهنگی، جلوه‌های تصویری خوراک خام (میوه) نیز دارای سرچشمه‌هایی از یک الگوی فرهنگی می‌شود. بنابراین کاخ گلستان که محل اقامت پادشاهان دوره قاجار و جایگاه تحولات فرهنگی و هنری این دوران است، میوه‌ها را در تصویری برگرفته از فرهنگ ادوار گذشته، همسو با هنر درباری و ترسیمات طبیعت‌گرایانه به نمایش می‌گذارد. کاشی‌های مصور مجموعه کاخ گلستان، بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار هنری این مجموعه را به خود اختصاص داده‌اند. مضامین متعددی از جمله انواع میوه‌ها را می‌توان در این مجموعه یافت. از این رو ضرورت انجام این تحقیق، مطالعه میوه‌نگاری به عنوان یک موضوع مستقل در کاشی‌های کاخ گلستان است که همسو با تحولات فرهنگی نمایان شده است و در پیوند با فرهنگ خوراک ایرانیان قرار دارد. همچنین هدف اصلی تحقیق، طبقه‌بندی و شناخت میوه‌نگاری در کاشی‌های کاخ گلستان است و هدف فرعی آن شناخت رابطه میوه‌نگاری با ویژگی‌های فرهنگی دوره قاجار است. این مقاله به بررسی موردی میوه‌ها به مثابه عنصری فرهنگی می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال‌ها است که ویژگی‌های بصری و فرهنگی میوه‌نگاری در کاشی‌های کاخ گلستان چیست؟ سابقه میوه‌نگاری در ایران به چه دوره‌ای بازمی‌گردد؟ و آیا با توجه به تحولات مختلف فرهنگی در دوره قاجار، میوه‌نگاری بر کاشی‌های کاخ گلستان، ارتباطی با فرهنگ خوراک ایرانیان داشته است؟

پیشینه پژوهش

سیف (۱۳۷۶) در کتاب خود نقاشی روی کاشی به مطالعه و ارائه‌ی تصاویر کاشی‌ها می‌پردازد. جمیلیان (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود تحلیل مردم‌شناختی نقوش

مردمی نیز مورد توجه قرار گرفت. ابعاد این توجه به قدری بود که بی‌تردید می‌توان کاشی‌نگاری را از این دوران به بعد، هنری به مراتب والاتر از نگارگری روی بوم و دیوار و چوب دانست. نقاشی ایران، به دنبال این نهضت مردمی در عرصه کاشی، پیونددهنده مبانی مذهبی و ملی و سنتی با چشم و دل مردم شد. قصه‌های شاهنامه به حمام‌ها و زورخانه‌ها راه یافت؛ روایات مقدس مذهبی در تکیه‌ها، سقاخانه‌ها و حسینیه‌ها بر تن کاشی نشست؛ قصه‌های عامیانه، نقوش گل و مرغ و دیگر موضوعات مورد علاقه و خواست مردم، آذین‌بخش بناهای مردمی و دولتی شد (سیف، ۱۳۷۶: ۱۷). آنچه مسلم است رنسانس هنری نقاشی روی کاشی از پس دوران طولانی تجربه‌های پیدا و ناپیدای روی سفال و کاشی - به‌ویژه در عصر ایلیخانان مغول - به همت کاشی‌نگاران شیراز، در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری صورت گرفت و بعد از دوران رکود کوتاهی، از آغاز قرن سیزدهم تا نیمه دوم قرن چهاردهم هجری، در پایتخت و سایر شهرهای ایران، با حمایت و تشویق مردم کوچه و بازار مکتب نوینی در نگارگری ایران را سبب شد که نه تنها نباید بر آن نام انحطاط گذاشت، بلکه باید از آن به عنوان یکی از اصیل‌ترین و ماندگارترین نهضت‌های هنر مردمی در عرصه نگارگری یاد کرد. این همان تحولی بود که بنا به نیاز و خواست جامعه و زمینه‌های مہیای تحولات اجتماعی، حصار رکود و تسلیم در برابر تکرار و تداوم اشکال سنتی کاشی را با جسارت و آگاهی تمام درهم شکست و آغازگر بدعتی نوین در تجدید حیات دوباره هنر کاشی‌سازی و کاشی‌نگاری در ایران شد (همان: ۱۸). از این رو آنچه در این دوران شاهد هستیم، التقاط یا ظهور اشکال دورگه است که با پدیده جهش‌های فرهنگی در پی تداخل جهان‌های نامتجانس حاصل می‌شوند (بانی مسعود، ۱۳۹۱: ۷۳). هرچند بازنمایی‌های تصویری، از سده یازدهم و دوازدهم بر روی کاشی‌ها دیده می‌شود اما در بناهای دوره ناصری، عناصر با هم ترکیب‌بندی منطقی یافتند و به صورت صحنه‌هایی منسجم و مرئی در زندگی روزمره و اجرا شده به شیوه‌ای واقع‌نما عرضه شدند که نمونه‌های خوب این کاشیکاری‌ها را می‌توان در کاخ گلستان مشاهده کرد (ریاضی، ۱۳۹۵: ۳۵).

کاشی‌نگاری‌های کاخ گلستان

کاخ گلستان بازمانده ارگ تاریخی تهران است و پیشینه آن به دوره صفوی و سپس دوره زندیه و فتحعلی‌شاه بازمی‌گردد اما به سبب نوسازی‌های گسترده ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۴ق، بیش‌تر بناهای این مجموعه را به دوره ناصری نسبت می‌دهند. این مجموعه در دوره قاجار اقامتگاه پادشاهان و محل دیوانخانه‌های کشوری بود. از این رو

تزیینات معماری این مجموعه در پیوند با فرهنگ سنتی، التقاطی، و فرنگی‌مآب دوره قاجار در راستای سلیقه درباری ظاهر شد. «نفوذ معماری غربی بخشی از معماری سنتی را از حالت درونگرا به برونگرا سوق داد و معماران و زینت‌کاران به فضاهای بیرونی توجه بیشتری مبذول داشتند» (ریاضی، ۱۳۹۵: ۴۷). در میان مضامین متنوع تصویری، ترسیم انواع میوه‌ها، از مضامین جدیدی به شمار می‌رود که در نمای بیرونی باغ کاخ گلستان به فراوانی دیده می‌شود. کاشی‌های تابلویی که درون آن‌ها با قاب‌های طوماری و انبوهی از گل و میوه‌هایی مانند انار، انگور، خیار، خربزه، سیب، گلابی، و هندوانه آراسته شده‌اند از این جمله‌اند. نمای بیرونی کاخ به‌خصوص تمام سطوح ضلع جنوبی و ضلع شمال شرقی در امتداد شمس‌العماره با کاشی‌های هفت‌رنگ و نقوش متنوع تزیین شده‌است که بخش گسترده‌ای از میوه‌نگاری‌های قاجاری را در خود جای می‌دهد.

میوه‌نگاری

از آنجا که گیاه در تفکر ایرانی به معنای زندگی است، میوه‌ها تا پیش از ورود فرهنگ بیگانه، در پیوند با دنیای مثالی و هنر انتزاعی ایران، جنبه‌های اسطوره‌ای و آیینی و نمادین را دنبال می‌کردند. در دوره قاجار این جنبه‌های تصویری در کسوتی طبیعت‌گرایانه تجلی یافت. میوه به تقلید از نقاشی‌های غربی به یکی از مضامین اصلی بدل شد تا مفهومی در عرض «طبیعت بیجان»‌های اروپایی را نمایش دهد. در ادامه چنین تحولی، اوج ظهور طبیعت‌گرایی بر روی کاشی، در تحول نقوش انتزاعی میوه‌ها به نقش‌های طبیعی نمایان شد. از آنجا که خوراک و فرهنگ آن از دیرباز برای ایرانیان بارز بوده است، نمی‌توان حضور فراوان میوه‌ها را به عنوان مضامین اصلی در هنر قاجار بی‌ارتباط با فرهنگ خوراک ایرانیان دانست. با توجه به پیوندی که میان تحولات اجتماعی و فرهنگی و اقلیمی با هنر وجود دارد و با استناد به عکس‌ها و سفرنامه‌های به‌جای‌مانده، می‌توان ریشه‌های فرهنگی و اثرگذار فرهنگ خوراک را در کاشی‌نگاری‌های کاخ گلستان بازیابی کرد. آنچه در این عکس‌ها و متون به‌روشنی دیده می‌شود توجه به موضوع خوراک است. این توجه تا بدانجا است که سفیران و مهمانان خارجی را متأثر کرده است تا آنجا که به تفصیل از خوراک و آداب آن در سفرنامه‌های - شان یاد کرده‌اند. پذیرایی و مهمان‌نوازی بخشی از فرهنگ خوراک ایرانیان است و سیاحان دوره قاجار در سفرنامه‌های خود، از پذیرایی مهمانان با خوراک‌های مختلف و انواع میوه بسیار یاد کرده‌اند و به توصیف سفره‌ها و آداب خوراک ایرانیان پرداخته‌اند. همچنین در عکس‌های قاجاری، ظروف پر از میوه و سفره‌های خوراک از نگاه عکاسان دور نمانده‌اند



تصویر ۳. ناصرالدین شاه در نیاوران (مأخذ: لعل، ۱۳۷۱: ۳۰۲).



تصویر ۲. مظفرالدین شاه (مأخذ: مرندی علمداری، ۱۳۸۴: روی جلد).



تصویر ۱. بخشی از عکس (مأخذ: دمندان، ۱۳۷۷: ۱۹).



تصویر ۵. بخشی از عکس (مأخذ: مرندی علمداری، ۱۳۸۴: ۲۰۶).



تصویر ۴. مجلس جشن و اوستاخوانی زردشتیان (مأخذ: ذکاء، ۱۳۷۶: بدون شماره صفحه).

سابقه استفاده از چنین مضامینی (میوه‌نگاری) در تزیینات معماری ایران را می‌توان به دوره حکومت نادرشاه افشار و در راستای تعمیرات آستان قدس رضوی و قصر خورشید در کلات نادر نسبت داد. «این بنا بیشتر دارای تزییناتی از نوع حجاری است. تنها نکته شایان توجه در این تزیینات به کارگیری حجاران هندی و استفاده از نقش‌مایه‌های هندی و رواج میوه‌نگاری است. پس از مرگ نادرشاه هنرمندان هندی در برخی از شهرهای ایران به کار گرفته شدند و در نتیجه برخی از نقش‌نگاری‌های هندی در ایران رواج یافت» (ریاضی، ۱۳۹۵: ۳۰).

میوه‌ها در میوه‌نگاری‌های مجموعه کاخ گلستان، در ترکیب‌بندی‌های متنوع و در اختلاط با گل‌ها و همراه با پرندگان، ترسیم شده‌اند (تصویر ۷). قاب‌های مشخصی در میان انبوه نقوش کاشی، مجموعه‌ای از چند میوه را در خود جای داده است. این قاب‌ها یادآور سینی‌هایی منقوش هستند که از دید بالا (پلان) ترسیم شده‌اند. تنوع فراوانی در ترسیم قاب‌ها و تجمع میوه‌ها به چشم می‌خورد. گاه ظرفی

(تصاویر ۱ تا ۵). پیترو دل‌واله در توصیف یک مهمانی که در همدان برگزار شده بود به ظرف‌هایی از میوه اشاره می‌کند که بر روی زمین قرار گرفته بودند: «روی زمین در جاهای مختلف ظرف‌های بزرگ پر از میوه‌هایی از قبیل انار و گلابی و انگور و فندق شور و پسته و جز اینها چیده شده بود که میهمانان گاه‌گاه به سمت آن‌ها می‌رفتند» (راوندی، ۱۳۸۲: ۵۸۱). پولاک طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه، می‌نویسد: «مقدار سبزی خامی که ایرانیان می‌خورند حیرت‌آور است» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۱۳). روستاییان و حتی شهرنشینان در ایران، میوه‌ها (هندوانه، خربزه، انگور) را در نوبت‌های خوراکی، همراه با نان (قاتق) مصرف می‌کنند. میوه‌ها در جایگاه خوراکی خود، برای نوبت‌های خوراک روزانه و در پذیرایی از مهمان بسیار مورد استفاده هستند. از این رو چندان دور از انتظار نیست که میوه‌ها در کسوتی جدید در کاشی‌نگاری‌ها ظاهر شوند و آنچه در سفره‌ها یافت می‌شود بر کاشی‌ها نیز ترسیم شوند (تصویر ۶).



تصویر ۶. انواع چیدمان میوه‌نگاری‌های باغ کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).



تصویر ۷. چیدمان‌های متفاوت در کاشی‌های باغ کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).

قرار می‌گیرند. ترکیب‌بندی‌ها بیش‌تر به صورت دایره‌وار و تزئینی است و فراوانی میوه‌هایی چون انگور و انار و گلابی بیش‌تر از سایر میوه‌هاست (تصویر ۹). نمونه‌های مشابهی از میوه‌نگاری‌های باغ گلستان را می‌توان بر روی کاشی‌های حیاط و حرم حضرت عبدالعظیم^(ع)

یا گلدانی پایه‌دار در میان ستون‌هایی رنگین، جایگاهی برای چیدمان میوه‌ها می‌شود و گاه میوه‌ها از ستون‌هایی معماری گونه و یا در حاشیه‌های خارجی کاشی‌ها به صورت آویخته ترسیم شده‌اند (تصویر ۸). تجمع میوه‌ها با گل‌ها و برگ‌ها کامل می‌شود و در پیوند با بخش‌های دیگر کاشی



تصویر ۹. تجمع میوه‌ها و گل‌ها
(مأخذ: سیف، ۱۳۷۶).



تصویر ۸. بخشی از کاشی‌های کاخ گلستان
(عکس از: نویسندگان).

انگور

انگور و عصاره آن در اساطیر و آیین‌های ایرانی، مفهومی ژرف را در باورهای فرهنگی انسان ایرانی رقم می‌زند. «تاک درختی کیهانی انگاشته می‌شد زیرا آسمان‌ها را در برمی‌گرفت و حبه‌های انگور، ستارگان بودند» (شوالیه و گربران، ۱۳۷۸: ۳۰۷). هم‌چنین در ادبیات فارسی، انگور مظهر شادی و خرمی است (شریفی، ۱۳۸۷: ۲۱۸). تنوع، زیبایی، ظرافت، و خوش طعمی انگورهای ایرانی و جایگاه خوراکی آن در سفره خوراک طبقات مختلف مردم، سیاحان خارجی را نیز به تحسین واداشته است. این تنوع در گونه‌های مختلف انگور، بر کاشی‌نگاری‌های باغ گلستان نیز نمایان می‌شود. شاید این امر حکایت از علاقه فراوان ناصرالدین‌شاه به انگور و یا

مشاهده کرد. برای نخستین بار در دوره ناصرالدین‌شاه، شاهد نصب کاشی‌های تصویری در اماکن مذهبی هستیم که با میوه‌نگاری‌های این دوران مرتبط هستند. بدین‌سان، میوه‌ها در ترسیمات هنری دوره قاجار در چیدمان متفاوت با ادوار گذشته نمایان می‌شوند (تصویر ۱۰). کاشی‌نگاره‌های قاجاری، تعداد فراوانی از میوه‌ها را در خود جای داده‌اند که از جمله آنان باید به انار، انگور، خیار، خربزه، سیب، گلابی، هندوانه، گیلاس، و بلال اشاره کرد. اما فراوانی میوه‌هایی چون انار و انگور و گلابی در مجموعه‌ی باغ گلستان بیش‌تر است. در ادامه میوه‌ها در کاشی‌نگاری‌های به صورت موردی مورد بررسی قرار می‌گیرند.



تصویر ۱۰. کاشی هفت‌رنگ ازارة ایوان امامزاده طاهر شاه عبدالعظیم
(مأخذ: ریاضی، ۱۳۹۵: ۱۰۸).



تصویر ۱۱. تنوع رنگی نقش انگور در کاشی‌های کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).

در تمام طول زمستان، به همین حال تازه و قابل استفاده باقی می‌ماند و قاتق نان مردم بود که یک قرص نان و یک خوشه انگور را به عنوان یک وعده غذا می‌خورند (بروگشن، ۱۳۶۷: ۲۸۵).

نقش انگور بر حاشیه دیوارها، یادآور این روایت از خانه ایرانیان است. انگورهایی آویخته از دیوار که همیشه تازه و رنگین هستند و این بار بر کاشی‌ها ترسیم شده اند.

انار

انار در فرهنگ ایرانیان از قدمتی طولانی برخوردار است و دارای جایگاهی آیینی است. شاخه انار به عنوان شاخه‌ای از درخت پاک و نشانی برای رستنی‌ها، در نیایش‌ها و بر سر سفره خوراک کاربرد داشته است. در قرآن نیز از انار به عنوان میوه‌های بهشتی یاد می‌شود. نام «رمان» (= انار) در سوره الرحمن (آیه ۶۸) «فیهما فاکهه و نخل و رمان» (قرآن کریم) میوه‌های بهشتی را تداعی می‌کند که تناول آن دارای معنای ویژه‌ای است. از این رو انار به مثابه عنصری فرهنگی در هنر ادوار مختلف حضور می‌یابد. نشانه چنین ادعایی را می‌توان در بازنمایی‌های تصویری انار، در ادوار مختلف تاریخی ایران و در دوره قاجار با جلوه‌ای متفاوت از گذشته یافت.

انار در جلوه‌های تصویری کاخ گلستان به دو صورت سالم و شکسته دیده می‌شود. از آنجا که هنرمند دوره قاجار نگاهی ترکیبی از تفکر ایرانی و فرنگی را در ترسیم میوه‌ها به نمایش می‌گذارد، همسویی اسطوره‌های ملل مختلف و باورهای ایرانی، انار را به عنوان مظهر باروری و برکت و فراوانی معرفی می‌کند. این اسطوره‌ها در مسیحیت نیز به صورت نشانه‌هایی در هنر نمایان می‌شوند؛ چنین پیوندی است که حضور پُررنگ‌تر انار با پوسته شکافته و دانه‌هایی

توجه مسیحیت (در هنر غرب) به انگور باشد. با توجه به بازنمایی‌های تصویری انگور در کاخ گلستان، اولین موضوعی که جلب نظر می‌کند. فراوانی و گوناگونی این میوه است. وجه تزئینی، تنوع رنگ، و نوع میوه در چیدمان‌ها، همراه با برگ‌های مو که در نقاشی‌ها به دقت ترسیم شده و آن را از برگ دیگر میوه‌ها متمایز می‌سازد، انگور را در جایگاهی متفاوت قرار می‌دهد. انگورها در ترکیب‌بندی‌های مختلف و در رنگ‌هایی چون: سرخ، سبز، آبی، بنفش و متفاوت از گذشته ترسیم شده اند (تصویر ۱۱). انگورهای باغ گلستان در قاب‌های میانی، آویخته از ستون‌ها و منقار پرندگان و حاشیه کاشی‌ها، در کارکردی تزئینی دیده می‌شوند. چنین تصاویری در پیوند با فرهنگ خوراک ایرانیان، در استفاده از میوه‌های خشک‌شده، می‌تواند معنا یابد. ایرانیان در منازلشان میوه‌ها را خشک می‌کردند. چنانکه در سفرنامه‌ها نیز به آن اشاره شده است. این گزارش از خانه یک ایرانی دوره قاجار است که می‌تواند تصویری ذهنی، برای هنرمند بسازد و او را به سوی چنین ترکیب‌بندی‌هایی رهنمون سازد. هنریش بروگشن در سفرنامه خود می‌نویسد:

از پله‌هایی گلی به طرف بالاخانه رفتیم و از دکوراسیون و تزیین اتاق که مطابق رسوم دهات ایران بود، حیرت کردیم. آنها با به هم بستن در حدود بیست خوشه انگور به یکدیگر، آنها را به صورت توده انبوهی درآورده بودند و بعد این توده‌های بزرگ انگور را در فواصل کمی از یکدیگر به دیوارها و سقف اتاق آویخته بودند. این انگورها با رنگ‌های مختلف خود، اتاق را به صورت دیگری درآورده بودند. پوست این انگورها پس از چند روز چروکیده می‌شود ولی

ترسیم شده‌اند. گلابی‌ها نیز همچون دیگر میوه‌ها اغلب به صورت تکی و دوتایی در ترکیب‌بندی‌ها، همراه دیگر میوه‌ها دیده می‌شوند (تصویر ۱۳ و ۱۴).

سیب

در ادبیات معاصر سیب (خاصه سیب سرخ) بر اساس روایات یهودی و مسیحی اشاره به داستان میوه ممنوع دارد که به نظر می‌رسد در ادبیات قدیم فارسی سابقه نداشته است (شریفی، ۱۳۸۷: ۸۵۰). «سیب در مکاتب عرفانی، نماد شناخت و معرفت است» (شوالیه و گربران، ۱۳۷۸: ۶۹۹). و در جایگاه نمادگرایی دارای معانی فراوانی است؛ این تعبیرات تا بدان جا ادامه می‌یابد که سیب به عنوان یکی از میوه‌های بهشتی معرفی می‌شود. «انجیل انجیرا، سیب و انگور میوه بهشت است» (هدایت، ۱۳۴۲: ص ۱۲۲). به طور کلی خوراکی در فرهنگ ایرانیان به عنوان برکت الهی شناخته می‌شود و دارای ارزشی ویژه است. سیب با سایه‌روشن‌های رنگی زرد و

نمایان را به دنبال دارد. انارها با سایه‌روشن‌ها و در طیف‌های مختلف رنگ سرخ و صورتی، همراه با دورگیری‌های خطی ترسیم شده‌اند. انارهای شکسته نیز به همین شکل ظاهر می‌شوند با این تفاوت که اندازه شکستگی انارها متفاوت است و مقدار دانه‌های اناری که در معرض دید قرار دارند با هم تفاوت دارد. در ترسیم انارها آزادی دستی [طراحی] وجود دارد که البته به طبیعت‌گرایی آن‌ها خدشه‌ای وارد نمی‌کند (تصویر ۱۲).

گلابی (امرو، مرو، لکل)

گلابی را صراحی‌شکل و خوش آب و رنگ توصیف می‌کنند، مخروطی از مشک و شکر و زعفران که عالی‌ترین نوع آن را شاه‌میوه می‌نامند (میرعظیمی، ۱۳۷۹: ۸۵). گلابی نیز همچون دیگر میوه‌های ترسیم‌شده در دوره قاجار با سایه‌روشن‌هایی بر کاشی‌های کاخ گلستان ظاهر می‌شود. رنگ غالب گلابی‌ها زرد است و تنها در چند نمونه، با سایه‌روشن‌های سرخ و سبز



تصویر ۱۲. تنوع نقش انار در کاشی‌های کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).



تصویر ۱۳. تنوع نقوش گلابی در کاشی‌های کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).

هندوانه

هندوانه گیاهی است از تیره خیار (دهخدا، ذیل «هندوانه»). میوه‌ای درشت است با پوستی ضخیم در شکل‌های دایره و بیضی که دانه‌های خوراکی دارد و جزو آجیل‌ها مصرف می‌شود. این میوه نیز به عنوان خوراک روزانه در سفره خوراک مردم وجود دارد. هندوانه‌ها در طیف‌های مختلف رنگ سبز، به شکل‌های گوناگون به تصویر درآمده اند اما در اغلب موارد از وسط به دو نیم می‌شوند و در کاسه‌ای جای می‌گیرند؛ به همراه چاقویی که به صورت اریب درون آن فرورفته است تا مهمان به مقدار دلخواهش برشی از آن را برگرفته و میل نماید. تنها یک مورد از هندوانه برش خورده را بر کاشی‌های باغ گلستان شاهد هستیم که با برشی مرکزی، همراه با چاقویی که به صورت اریب به درونش فرورفته ترسیم شده است و همچون دیگر میوه‌ها در قاب تزئینی به همراه گل‌ها و برگ‌ها و دو گلابی دیده می‌شود (تصویر ۱۶).

خیار

خیار از انواع صیفی به شمار می‌رود. در مشاهدات سیاحانی چون دروویل آمده است که ایرانیان بسیار به خوردن خیار



تصویر ۱۴. نقش گلابی بر کاشی‌های کاخ گلستان (مأخذ: سیف؛ ۱۳۷۶).

سرخ ترسیم شده است. فراوانی سیب‌ها در کاشی‌نگاری‌های باغ گلستان از برخی میوه‌ها کم‌تر است. با این همه، سیب‌ها در دوره قاجار فراوان‌تر از ادوار گذشته خودنمایی می‌کنند (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵. تنوع نقوش سیب در کاشی‌های کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان)



تصویر ۱۶. نقش هندوانه در کاشی‌های کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).

علاقه دارند و آن را مانند سیب و گلابی، بدون چاشنی و ادویه مصرف می‌کنند (دروویل، ۱۳۸۹: ۸۸). بازتاب تصویری خیار همچون دیگر میوه‌های دوره قاجار و در میان چیدمان‌های و قاب‌های متفاوت دیده می‌شود. خیارها درشت و به رنگ سبز سیر (سبز پررنگ) و سبز روشن با سایه‌روشن‌هایی بر روی کاشی‌ها ترسیم شده‌اند (تصویر ۱۷).

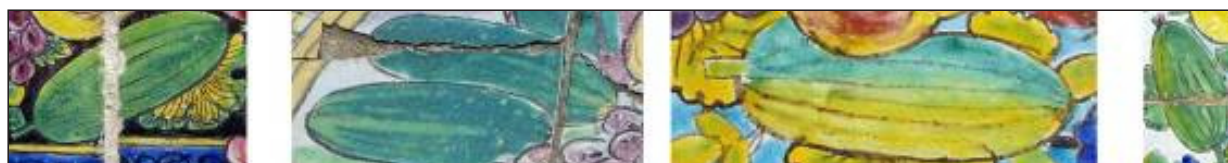
سایر میوه‌ها

از میان میوه‌های ترسیم‌شده بر کاشی‌های باغ گلستان، می‌توان به گیلان یا آلبالو و بلال نیز اشاره داشت که فراوانی کم‌تری در کاشی‌نگاری‌های قاجار دارند. بلال‌ها به رنگ زرد و با دانه‌های نمایان ترسیم شده‌اند و گیلان‌ها یا آلبالوها به رنگ سرخ و با تعدادی محدود، در کنار برخی ترکیب‌بندی‌ها دیده می‌شوند. این میوه‌ها در کنار دیگر میوه‌ها و در ترکیب‌بندی‌های متفاوت ترسیم شده‌اند. آنچه در ترسیم تمام میوه‌ها مورد توجه قرار گرفته است، ایجاد یک ترکیب‌بندی تزئینی از مجموع چند میوه در کنار گل‌ها و برگ‌ها است (تصویر ۱۸).

نتیجه‌گیری

کاخ گلستان اقامت‌گاه پادشاهان دوره قاجار بوده و کاشی‌نگاری، فراوان‌ترین تزئینات معماری این مجموعه است. رواج کاشی‌های تصویری و مضامین عامیانه و نماسازی در فضاهای خارجی بنا در پیوند با تحولات فرهنگی در کاشی‌های کاخ گلستان نیز بروز یافته است. از این رو مضامین متعددی از جمله انواع میوه‌ها را می‌توان در این

مجموعه یافت. سابقه میوه‌نگاری در تزئینات معماری ایران را به دوره افشار و حجاران هندی نسبت داده‌اند و آنچه از گذشته، در نقاشی روی کاشی موجود است، به صورت نقوش گیاهی گسترش یافته و انتزاعی است و تصویر میوه‌ها به صورت طبیعت‌گرایانه، در دوره‌های پیشین دیده نمی‌شوند. اما در کاشی‌های باغ کاخ گلستان به سبب تحولات فرهنگی و توجه به نقاشی‌های اروپایی با ترسیم میوه‌ها به شکل طبیعت‌گرایانه روبه‌رو هستیم. از این رو میوه‌هایی را شاهد هستیم که پیش از این دوره نقش کردن آن‌ها در تزئینات معماری ایران کم‌سابقه بوده است. میوه‌هایی چون انار، انگور، خیار، خربزه، سیب، گلابی، هندوانه و سایر میوه‌ها که در ترکیب‌بندی‌های متفاوت با گذشته ترسیم شده‌اند. در این جا اکثر میوه‌ها در ترکیب‌بندی‌های تکی یا چندتایی در قاب‌هایی همراه با گل‌ها و برگ‌ها و یا همراه با پرندگان دیده می‌شوند. قاب‌ها دارای فرم یکسانی نیستند و گاهی همراه با عناصر معماری گونه‌مانند ستون‌ها و با کارکردی تزئینی دیده می‌شوند که در میان نقوش گیاهی پیچان و گسترش یافته در ترکیب‌بندی‌های متفاوت ترسیم شده‌اند. شکل ترسیمی این میوه‌ها آزادانه و با استفاده از سایه‌روشن‌های رنگی و خطوط دورگیری‌شده و هاشورهایی است که به طور قطع از کارت‌پستال‌های وارداتی و تصاویر مجله‌ها کپی‌برداری می‌شده‌اند (تصویر ۱۹ و ۲۰). از آنجا که میوه‌نگاری‌های کاشی‌های کاخ گلستان دارای پیوندی نزدیک با فرهنگ خوراک ایرانیان است و ویژگی‌های مشترک فرهنگی میان آن‌ها وجود دارد، بازتاب تصویری خوراک خام (میوه) را باید به عنوان یکی



تصویر ۱۷. تنوع رنگی نقش خیار در کاشی‌های کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).



تصویر ۱۸. نقش سایر میوه‌ها در کاشی‌های کاخ گلستان (عکس از: نویسندگان).



تصویر ۱۹. نقوش گیاهی همراه با میوه‌ها (عکس‌ها از: نویسندگان)



تصویر ۲۰. نقوش حیوانی همراه با میوه‌ها (عکس‌ها از: نویسندگان)

هنرمند سعی در نمایش آن داشته و در کاشی‌نگاری ایران سابقه نداشته است.

از مضامین مهم در کاشی‌نگاری دوره قاجار قلمداد کرد. از میان این ویژگی‌های فرهنگی مشترک می‌توان به استفاده فراوان از میوه‌هایی چون انگور و هندوانه که در سفره خوراک ایرانیان به عنوان خوراک روزانه مردم عادی استفاده می‌شده اند، یاد کرد. میوه‌هایی که در سفره خوراک عامه وجود دارند در نقاشی‌های کاشی‌های کاخ گلستان نیز دیده می‌شوند. با توجه به توصیف‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی و عکس‌های به‌جای‌مانده از این دوره، می‌توان پیوندهای فرهنگی زمانه را در کاشی‌های کاخ گلستان مورد ارزیابی قرار داد. یکی دیگر از این پیوندهای فرهنگی، فراوانی میوه‌ها در کاشی‌ها است. در پذیرایی از مهمانان در میان ایرانیان، فراوانی خوراک در سفره، نشانه میزان تمول میزبان بوده است که در کاشی‌ها به شکل‌های متفاوت تصویر شده است. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که آنچه در میوه‌نگاری‌های کاشی‌های کاخ گلستان بازتاب می‌یابد، همان فرهنگ دوران است که

منابع و مأخذ

- آشوری، داریوش و دیگران. (۱۳۸۱). سنت و فرهنگ (مجموعه مقالات). فریدون بدره‌ای. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۱). معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته). تهران: نشر هنر معماری قرن.
- بروگشن، هینریش. (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران. ترجمه حسین کردبچه. تهران: انتشارات اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان». ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
- جعفری جلالی، بهنام. (۱۳۸۲). نقاشی قاجاریه: نقد زیبایی‌شناسی. تهران: کاوش قلم.
- جمیلیان، شهپر. (۱۳۹۱). تحلیل مردم‌شناسی نقوش در

- سیف، هادی. (۱۳۷۶). نقاشی روی کاشی. تهران: سروش.
 - شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ
 نشر نو؛ انتشارات معین.
 - شوالیه، ژان و آلن گربران. (۱۳۷۸). فرهنگ نمادها. ترجمه
 سودابه فضایی. ج ۱. تهران: انتشارات جیحون.
 - کریمی، اعظم. (۱۳۸۳). بررسی نقوش کاشیکاری مجموعه کاخ
 گلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر. استاد
 راهنما: احمد نادعلیان. تهران دانشگاه شاهد، دانشکده هنر.
 - لعل، حسین. (۱۳۷۱). قبله عالم (زندگانی خصوصی
 ناصرالدین‌شاه قاجار). تهران: دنیای کتاب.
 - مرندی علمداری، فرهاد. (۱۳۸۴). خوراک و سفره‌آرایی ایرانیان
 در دوره قاجاریه. تهران: آهنگ صبح.
 - میرعظیمی، نعمت‌الله. (۱۳۷۹). اصفهان زادگاه جمال و کمال.
 اصفهان: نشر گل‌ها.
 - هدایت، صادق. (۱۳۴۲). نیرنگستان. تهران: انتشارات امیرکبیر.

کاشیکاری‌های مجموعه کاخ گلستان. پایان‌نامه کارشناسی
 ارشد رشته مردم‌شناسی. استاد راهنما: محمد همایون سپهر.
 تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده
 روان‌شناسی و علوم اجتماعی.
 - دروویل، گاسپار. (۱۳۸۹). سفرنامه دروویل. ترجمه جواد محیی.
 تهران: انتشارات نیکفرجام.
 - دمندان (نفیسی)، پریسا. (۱۳۷۷). چهره‌نگاران اصفهان
 (گوش‌های از تاریخ عکاسی ایران). تهران: دفتر پژوهش‌های
 فرهنگی.
 - ذکاء، یحیی. (۱۳۷۶). تاریخ عکاسی پیشگامان ایران. تهران:
 انتشارات علمی فرهنگی.
 - راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران. جلد ۶. تهران:
 مؤسسه انتشارات نگاه.
 - ریاضی، محمدرضا. (۱۳۹۵). کاشیکاری قاجاری. تهران: انتشارات
 یساولی.

Depictions of Fruit in the Tiles of Golestān Palace

Samineh Khobi

Master's in Visual Communication, Faculty of Arts and Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Maryam Lari

Assistant Professor, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Iran

Abstract:

Golestān Palace is the remnant of the historic citadel of Tehran, which dates back to the Safavid period, and the Zandiyeh and Fath-Ali Shah Qajar. But because of extensive repairs by Nasser al-Din Shah in 1905, most of the buildings in this complex are regarded to be from the Nasser era. Golestān Palace was the residence of the Qajar kings and the country's administrative heart whose architectural decorations had formed in connection with traditional cultural concepts, as well as a mixture of traditional and western and fully western concepts. To decorate the palaces and government buildings in this era, some religious, national and traditional concepts, such as common tales, were used and building pictorial backgrounds using natural scenery, structures, depicting animals, plants, and inanimate objects became popular. Painting fruit was a new concept which appeared in the Haft Rang [seven colour] tiles used on the outside walls of the Golestān Palace. These tiles were painted with depictions of bunches of flowers, and fruit such as pomegranates, grapes, cucumbers, Persian melons, apples, pears, and watermelons. Given the importance of food among Iranians, the fruit paintings can be considered alongside the cultural and social changes during the Qajar era which have been reflected in travelogues and photographs remaining of that time; foreign tourists have mentioned the welcoming of guests by various types of food and fruit and have described the Iranian food spreads and their culinary traditions. The main question of this research is to do with the method of depicting fruit in the tiles of the Golestān Palace and the general aim of this article is understanding how the cultural evolution and changes in artistic depictions have been reflected in the Qajar era. This research considers raw food to be a cultural element, and uses a descriptive-analytical approach, gathering information from libraries, making use of photographs, and travelogues related to the Qajar era. The history of depicting fruit in Iranian Architectural ornamentation is considered to go back to the Afshar era and the Indian masons which has remained as expanded decorative paintings. In the painted tiles of the Qajar era, fruit types appeared which have never been used as ornamentation before. For example, apart from the common fruit, vegetables and fruit such as cherries, sour-cherries, and corn were painted on the tiles of the Golestān Palace. The



Painting of a watermelon in the tiles used in Golestān Palace

corn with large yellow kernels, and some red cherries have been depicted alongside other fruit. What is remarkable about the depiction of the fruit, is the ornamental arrangement of the fruit with leaves and flowers; most of the fruit are seen as individual or bunches in arrangements that includes a framework of leaves and flowers. The frames are not uniform and sometimes are accompanied by architectural elements such as pillars or sometimes with green vines and trestles of greenery. The fruit are depicted freely using different colour shading, colour bordering using lines, and cross hatching which has been copied from imported post cards and magazine pictures. Plants and fruit have had a legendary, symbolic and ritualistic place in the Iranian psyche since the ancient times; but, in the Qajar era, they have appeared in a realistic style and as one of the main concepts of depictions, rivalling the European still life paintings. The findings in this research show that, although the fruits depictions in the Golestān Palace are a continuation of the previous eras, but the cultural evolution of the Qajar era has had an effect on them and has changed a lot in relation to the Iranian culinary culture.

Keywords: *Golestān Palace, Architectural Ornaments, Pictorial Qashani [tile work], depicting fruit, culinary culture*

ATHAR

SCIENTIFIC, TECHNICAL and ART QUARTERLY

SCIENTIFIC, TECHNICAL & QUARTERLY

No. 80,

Spring 2019

Abstracts

- **ICOMOS-IfLA PRINCIPLES, CONCERNING RURAL LANDSCAPE AS** 3
Translated by: Mahnaz Ashrafi, Media Shokrani
- **The Types and Usage of Building materials in the West Iwan of Takht-e Soleymān** 4
Reza Taghavi Gharehbolagh
- **Depictions of Fruit in the Tiles of Golestān Palace** 5
Samineh Khobi, Maryam Lari
- **Examination of reasons of variance in earthquake damage rates in earthen buildings of the historic village of Esfahak post Tabas earthquake** 6
Vahid Zat Akram, Ali Zamani Fard
- **Tol-e Ājori, a new monumental building in Pārsa, a multidiscipline approach to Persepolis and Pārsa, Part 1** 7
Alireza Askari Chaverdi, Pierfrancesco Callieri, Sébastien Gondet
- **Two Documents Related to the Architecture of Estarabad Village Baths** 8
Mehrdad Qayyoomi Bidhendi, Mohadesseh Nazifkar
- **Physical and Functional Aspects of Bosh rūyeh Mills** 9
Hanife Karagari, Behnam Pedram, Reza Abouei
- **A Glance on Architectural Particularities of Watermills in Town of Birjan** 10
Zabihollah Mas'oudi, Ali Najafzadeh, Ali-Asghar Mahmoudi-Nassab



In the Name of God

ATHAR

SCIENTIFIC, & TECHNICAL and ART QUARTERLY

No. **80**,
Spring 2018

ISSN: 1024-2647

EISSN: 22-35-41

Owned by: The Research Institute of Cultural Heritage and Tourism (RICHT)

Managing Editor: Jalil Golshan

Editor-in-Chief: Mahnaz Ashrafi

Editorial Board:

Seyed Mohsen Habibi (Ph.D), Farhad Tehrani (Ph.D), Seyed Hosein Bahreini (Ph.D), Mohammad Rahim Sarraf (Ph.D), Mehrdad Ghayomi Bidhendi (Ph.D), Hamideh Choobak (Ph.D), Mahnaz Ashrafi (Ph.D), Ali Zamani Fard (Ph.D)

Executive Director: Mohammad Ali Mokhlesi

Deputy Editor-in-Chief: Zatollah Nikzad

Editor: Abdollah Moazenzadeh Kolour

Translation into English: Shervin Moazami Goudarzi, Ramin Vali

Type and Layout: Nourbakhsh

Circulation: 1000 Editions

Secretariat: No. 2, Prof. Rolin St., 30tir st. Imam Khomeini St.

P.O. Box: 1136913431

Website: Journal.richt.ir/athar

E-mail: atharmiras@gmail.com

Price: 120000 Rials

Reviewer of the Articles:

This Issue:

Alireza Anisi, Mohammad Hosein Papoli Yazdi, Hamid Reza Jeyhani, Zahra Habibi, Ebrahim Heydari, Saeid Khoddari Naeini, Mohammad Reza Riazi, Ali Reza Shah Mohammadpour, Rajabali Labaf Khaniki, Meysam Labaf Khaniki, Mohammad Hasan Mohebal, Shervin Moazami Godarzi, Zatolaah Nikzad

- Quotations from the contents of *Athar* are allowed under the condition that faithful reference to the article and the journal accompanies each.

- Contents of the articles shall not, necessarily, be regarded the *Athar* board's ideas.